

نیز واجب است» ما را ملزم میکند که برای براندازی این امانت مانع ایجاد و هر چه از زیر دست سرزمین‌ها هستند و جلوی کار گرانمایان از راهی‌های خاص که پروژه وحدت است، بکنند و او را برای آزادی سرزمین مبارک هدایت کند، محقق چیزی که پروژه برای خلقی طاقت ارشده بر منتهج راه بر پرس می‌رود. نتیجه تپیزی که حزب التحریر برای تحقق این تشنه‌ها و بیعت با فیکه‌ها برای امت است که آن را متحد می‌فهمد و سرزمین را به یک‌دست درآورد؛ همان‌جا که فرزندانی، قیامت مسلمانان را به گشتن، کوه‌های که بی‌هودی پیش سنگی یا این‌پنده الله می‌بجایند، تعالی، این‌پنده پشت من است، بیا

مصر آمار پناهندگان در خاک خود را ثبت می‌کند... چرا اکنون؟

استاد محمود اللیثی



در اقدامی فاگلگیرکننده، مصر اعلام کرد که آمار پناهندگان و مهاجرانی را که در خاک این کشور اقامت دارند، ثبت خواهد کرد و همچنین بر برآورد هزینه‌های اقتصادی میزبانی از آنان تمرکز خواهد کرد. بر اساس داده‌های رسمی، مصر میزبان بیش از ۱۰۰۷ میلیون مهاجر و پناهنده از ۲۲ ملیت مختلف است که از خدمات اساسی همچون شهروندان مصری بهره‌مند هستند؛ امری که طبق گفته نظام، بار اقتصادی سنگینی را تحمیل می‌کند. اما سؤالی که مطرح می‌شود این است: چرا اکنون؟ آیا این اقدامی سیاسی یا ابعاد خارجی است؟ یا تلاشی برای دریافت حمایت مالی بین‌المللی بیشتر، تحت پوشش فشارهای اقتصادی؟

با دقت در زمان اتخاذ این تصمیم، درمی‌یابیم که این تصمیم در سایه فشارهای اقتصادی فزاینده‌ای اتخاذشده که مصر با آن‌ها مواجه است؛ از جمله افزایش بحران اقتصادی، کاهش ارزش پوند و بالا رفتن نرخ تورم؛ بنا براین، می‌توان گفت که نظام مصر در تلاش است تا از پرورنده پناهندگان به‌معنوان اهرم فشاری بر کشورهای غربی و نهادهای کمک‌کننده استفاده کند، با هدف دریافت حمایت مالی بیشتر، به پنهان تحمل نیاز پناهندگان.

این شیوه‌ای جدید نیست برای نظام‌هایی که فاقد پروژه‌های واقعی‌اند و بر کمک‌های خارجی به‌معنوان بخش اصلی از سیاست‌های اقتصادی خود تکیه دارند و این همان کاری است که نظام مصر امروز انجام می‌دهد؛ تلاش برای تصویرسازی از خود به‌معنوان کشوری که برای جهانی را به دوش می‌کشد و برای ادامه ارائه خدمات به این پناهندگان و مهاجران به تأمین مالی بین‌المللی نیاز دارد.

انتخاب این زمان خاص برای سرشماری پناهندگان و مهاجران، پرسش‌های زیادی را درباره ارتباط آن با برخی ترتیبات سیاسی برمی‌انگیزد، به‌ویژه در سایه موارد زیر: اول، فشارهای غربی برای متوقف‌سازی مهاجرت به اروپا؛ اروپا با بحران فزاینده‌ای در زمینه مهاجرت مواجه است و فشارهای زیادی بر کشورهای گذر از جمله مصر اعمال کرده تا مانع از سرازیر شدن پناهندگان به سواحلش شود. گزارش‌هایی وجود دارد که از توافقات پنهانی میان نظام مصر و کشورهای اروپایی حکایت دارد؛ توافقاتی که در آن این کشورها حمایت مالی در ازای تشدید نظارت بر پناهندگان و جلوگیری از خروج آنان به‌سوی اروپا پیشنهاد می‌دهند.

دوم، اجرای برنامه صندوق بین‌المللی پول مصر تحت شرایط سخت‌گیرانه صندوق بین‌المللی پول قرار دارد؛ شرایطی که این کشور را وادار به اجرای سیاست‌های ریاضتی و حذف یارانه از خدمات اساسی کرده است. تلاش برای نمایش پناهندگان به‌معنوان باری اقتصادی، می‌تواند پهنه‌ای جدید برای افزایش قیمت‌ها و کاهش هزینه‌های عمومی تحت عنوان اینکه کمک‌ها به پناهندگان انحصارمی‌یافت به به به مردم مصر، باشد.

سوم، تلاش برای قرار از فشار داخلی نظام مصر با خشم فزاینده مردمی به‌دلیل وضعیت وخیم اقتصادی روبروکردن، نمایش پناهندگان به‌معنوان دلیل بحران اقتصادی، می‌تواند تلاشی برای منحرف کردن توجه مردم مصر از ناگامی نظام در مدیریت منابع و تحقق توسعه واقعی باشد؛ هرچند که تلاشی آشکار و شکست‌خورده است.

آیا سرشماری پناهندگان مقصدی برای سیاست‌های محدودکننده آتی است؟ نمی‌توان ناپیده گرفت که این اقدام ممکن است مقصدی برای تسهیل از اقدامات سرکوب‌گرانه علیه پناهندگان باشد، از جمله:

- اعمال محدودیت بر صدور اقامت‌ها و ویزا که بسیاری را وادار به کار غیرقانونی و افزایش رنجشان می‌کند.
- تشدید محدودیت‌های امنیتی و اسکان اخراج اجباری برخی از آنان در صورتی‌که منافع سیاسی آن را اقتضا کند.
- استفاده از این پرورنده به‌معنوان ابزاری برای چانه‌زنی با قدرت‌های بزرگ، به‌گونه‌ای که پناهندگان تنها وسیله‌ای برای تحقق منافع سیاسی شوند.

درحالی‌که ملیب‌های غربی از طریق مزورانش تلاش می‌کنند با تحمیل ملی‌گرایی بر کشورهای اسلامی، امت را تجزیه کنند، مسلمانان هرگاه فرصتی بیابند، هویت واقعی و برادری اسلامی خود را ابراز می‌دارند. همچنین در بیانیه تأکید شده است که پالکاردی‌های ظاهرکنندگان با شعارهایی همچون: «فلسطین خون می‌ریزد ای ارتش‌ها پاسخ دهید» (شعار نظامی نیازمند نجات نظامی است)، «کجاست مصلح‌الدین امروز برای آزادی اقصی؟» (چه دوستی با آنان که دستان‌شان به خون مسلمانان آلوده است؟) و «تنها پناه مسلمانان خلافت است»، همگی دلایل قاطعی بر هویت اسلامی و برادری آنان با سایر مسلمانان است.

در بیانیه مطبوعاتی صادره از دفتر مطبوعات حزب التحریر در ولایت بنگلادش آمده است که حضور خودجوش صدها هزار مسلمان در راهپیمایی حمایت از غزه، نمونه‌ای روشن از وحدت امت اسلامی و بیداری آن است و دلیلی است بر اینکه این کشور که چهارمین کشور بزرگ کشور جهان است، مردمش هویت اسلامی و برادری دینی خود با دیگر مسلمانان را فراموش نکرده‌اند. آنان با بی‌اعتنایی به تبلیغات مزدوران و متناقض، فریاد «الله‌اکبر» سر دادند، پرچم‌های توحید را برافراشتند و خیابان‌ها را با شعارهای علیه رژیم یهود و آمریکا به لرزه درآوردند. بدین‌سان، با وجود راسخ خود به وحدت امت اسلامی را به نمایش گذاشتند.

درحالی‌که ملیب‌های غربی از طریق مزورانش تلاش می‌کنند با تحمیل ملی‌گرایی بر کشورهای اسلامی، امت را تجزیه کنند، مسلمانان هرگاه فرصتی بیابند، هویت واقعی و برادری اسلامی خود را ابراز می‌دارند. همچنین در بیانیه تأکید شده است که پالکاردی‌های ظاهرکنندگان با شعارهایی همچون: «فلسطین خون می‌ریزد ای ارتش‌ها پاسخ دهید» (شعار نظامی نیازمند نجات نظامی است)، «کجاست مصلح‌الدین امروز برای آزادی اقصی؟» (چه دوستی با آنان که دستان‌شان به خون مسلمانان آلوده است؟) و «تنها پناه مسلمانان خلافت است»، همگی دلایل قاطعی بر هویت اسلامی و برادری آنان با سایر مسلمانان است.

نگاهی به افزایش تعرفه‌های گمرکی توسط ترامپ: نظام سرمایه‌داری بحران نهایی خود را می‌سازد!

استاد مناچی محمد

نکته‌ای که باید به آن توجه شود این است که ترامپ، رئیس‌جمهور، یک سرمایه‌دار است که محصول تفکر سرمایه‌داری است، نه محصول تفکر سیاسی. رویکردهای سیاسی او تابع هدف تفکر سرمایه‌داری و قواعد بازار سرمایه‌داری و معیارهای سود و زیان است. او به عرصه بین‌الملل مانند یک بازار نگاه می‌کند و روابط بین‌المللی را با معیار سود و زیان می‌سنجد. هدف او کسب بازدهی مادی در زمانی کوتاه است. بنا براین، سیاست نزد ترامپ چیزی جز معاملات تجاری و اقتصادی نیست، او تلاش می‌کند تا

سلطه «دولت‌شکرت» را بر روابط بین‌المللی تحمیل کند و افزایش تعرفه‌های گمرکی ابزاری برای مدیریت این سلطه سرمایه‌دارانه است. سخن گفتن از تعرفه‌های گمرکی و افزایش آن‌ها، سخن از تجارت جهانی و بازارهای بزرگ مصرفی سرمایه‌داری است. این بازارها تنها به سه بازار عمده محدود می‌شوند: در رتبه نخست، آمریکا

سیس بازار اروپا؛ و سپس آران، چین. آرتاچکه آمریکا بزرگ‌ترین بازار مصرفی سرمایه‌داری است، پیشی گرفتن از آن توسط اروپا یا چین، عملاً ناممکن است. زیرا انکای اقتصاد اروپا و چین به آمریکا، حیاتی و راهبردی است.

روابط تجاری میان آمریکا و اتحادیه اروپا، از جمله پیچیده‌ترین و مهم‌ترین روابط در سطح جهان به‌شمار می‌رود؛ به‌گونه‌ای که این دو، حدود ۳۰٪ از تجارت جهانی کالاها و حدود ۴۰٪ از تجارت جهانی خدمات را نمایندگی می‌کنند؛ یعنی نزدیک به نیمی از تولید ناخالص داخلی جهانی، بر اساس داده‌های دفتر

نمایندگی تجاری آمریکا، در سال ۲۰۲۴، مجموع تجارت کالا میان دو طرف به ۹۷۵٫۹ میلیارد دلار رسید که نشان از عمق پیوند اقتصادی میان آن‌ها دارد. طبق همین داده‌ها، صادرات کالاهای آمریکا به اتحادیه اروپا در سال ۲۰۲۴ حدود ۳۷۰ میلیارد دلار بوده، درحالی‌که واردات آمریکا از اتحادیه اروپا به‌شکل چشم‌گیری افزایش‌یافته و به ۵۰۸٫۶ میلیارد دلار رسیده است؛ افزایشی معادل ۵۱٪ (۲۹۴٫۹ میلیارد دلار) نسبت به سال پیش. این‌ها همه نشانگر حجم و تأثیر راهبردی روابط تجاری میان آمریکا و اتحادیه اروپا بر اقتصاد دو طرف است.

همین وضعیت در مورد روابط تجاری آمریکا و چین نیز صادق است. بر اساس گزارش اداره آمار آمریکا، این‌ها متحدانه در سال ۲۰۲۴ کالاهای و محصولات مختلفی به ارزش ۴۳۸٫۹ میلیارد دلار از چین وارد کرده که این رقم نسبت به سال ۲۰۲۳ ۴۶۶٫۹ میلیارد دلار بود. افزایش داشته‌هاست؛ در همان سال، صادرات کالاهای آمریکا به چین ۱۴۳٫۵ میلیارد دلار بوده است.

وابستگی اقتصادهای اروپا و چین به بازار آمریکا، امری ذاتی و راهبردی است؛ چراکه این بازار، نخستین مقصد برای عرضه تولیدات اروپا و چین به‌شمار می‌آید؛ امری که جایگزینی آن را دشوار، بلکه غیرممکن می‌سازد.

همچنین، مبادلات تجاری میان اروپا و چین به حد اشباع رسیده است؛ چنان‌که حجم تبادل تجاری میان اتحادیه اروپا و چین در سال ۲۰۲۳ میلادی، طبق گزارش اداره آمار یوروستات، به ۷۳۸ میلیارد دلار رسید. این اداره گزارش داد که چین بزرگ‌ترین شریک وارداتی اتحادیه اروپا بوده است. این اشباع تجاری، اتحادیه اروپا را به وضع منوعیت‌های تجاری بر برخی کالاهای چینی وادار کرده و باعث اتخاذ تدابیر برای مقابله با دامیننگ تجاری چین شده است. به‌عبارت دیگر، اروپا و چین نمی‌توانند بازار یکدیگر را جایگزین بازار آمریکا کنند، چراکه روابط تجاری‌شان با یکدیگر به نقطه اشباع رسیده و امکان گسترش بیشتری ندارد.

این مسئله را گزارش‌های مجلس اروپا درباره تعرفه‌های گمرکی ترامپ نیز تأیید می‌کند؛ آنجا که آمده است: «اعمال تعرفه‌های گمرکی از سوی ایالات‌متحده بر دیگر نقاط جهان، ممکن است مشکلاتی برای اتحادیه اروپا نیز ایجاد کند؛ چراکه ممکن است کشورهای آسیبدیده تصمیم بگیرند محصولات خود را که ممکن است برای فروش در بازار آمریکا بیش‌ازحد گران شوند، به بازار اروپا هدایت کنند؛ امری که رقابت را برای شرکت‌های اروپایی دشوار می‌سازد».

افزون بر حجم تبادل تجاری تأثیرگذار، نوع مبادله ماهیت کالاهای، خدمات و محصولات میان اروپا و آمریکا و چین و آمریکا نیز وجود دارد؛ امری که مشکل را پیچیده‌تر و بحران را عمیق‌تر می‌سازد. برای مثال واردات چین از آمریکا، وارداتی حیاتی است، مانند نفت و گاز، دارنه‌های روغنی و غلات، داروها، ابزار آهوشی، نیمه‌های، قطعات و تجهیزات هواپیما، ابزار ناوبری و ماشین‌آلات صنعتی... درحالی‌که بازار اروپا جایگزینی را تأمین نمی‌کند. از سوی دیگر، صادرات چین به آمریکا شامل فلزات نادر است، فلزاتی که ترامپ تلاش دارد آن‌ها را تحریم کند؛ امری که رقابت را برای شرکت‌های اروپایی دشوار می‌سازد».

افزون بر حجم تبادل تجاری تأثیرگذار، نوع مبادله ماهیت کالاهای، خدمات و محصولات میان اروپا و آمریکا و چین و آمریکا نیز وجود دارد؛ امری که مشکل را پیچیده‌تر و بحران را عمیق‌تر می‌سازد. برای مثال واردات چین از آمریکا، وارداتی حیاتی است، مانند نفت و گاز، دارنه‌های روغنی و غلات، داروها، ابزار آهوشی، نیمه‌های، قطعات و تجهیزات هواپیما، ابزار ناوبری و ماشین‌آلات صنعتی... درحالی‌که بازار اروپا جایگزینی را تأمین نمی‌کند. از سوی دیگر، صادرات چین به آمریکا شامل فلزات نادر است، فلزاتی که ترامپ تلاش دارد آن‌ها را تحریم کند؛ امری که رقابت را برای شرکت‌های اروپایی دشوار می‌سازد».

افزون بر حجم تبادل تجاری تأثیرگذار، نوع مبادله ماهیت کالاهای، خدمات و محصولات میان اروپا و آمریکا و چین و آمریکا نیز وجود دارد؛ امری که مشکل را پیچیده‌تر و بحران را عمیق‌تر می‌سازد. برای مثال واردات چین از آمریکا، وارداتی حیاتی است، مانند نفت و گاز، دارنه‌های روغنی و غلات، داروها، ابزار آهوشی، نیمه‌های، قطعات و تجهیزات هواپیما، ابزار ناوبری و ماشین‌آلات صنعتی... درحالی‌که بازار اروپا جایگزینی را تأمین نمی‌کند. از سوی دیگر، صادرات چین به آمریکا شامل فلزات نادر است، فلزاتی که ترامپ تلاش دارد آن‌ها را تحریم کند؛ امری که رقابت را برای شرکت‌های اروپایی دشوار می‌سازد».

افزون بر حجم تبادل تجاری تأثیرگذار، نوع مبادله ماهیت کالاهای، خدمات و محصولات میان اروپا و آمریکا و چین و آمریکا نیز وجود دارد؛ امری که مشکل را پیچیده‌تر و بحران را عمیق‌تر می‌سازد. برای مثال واردات چین از آمریکا، وارداتی حیاتی است، مانند نفت و گاز، دارنه‌های روغنی و غلات، داروها، ابزار آهوشی، نیمه‌های، قطعات و تجهیزات هواپیما، ابزار ناوبری و ماشین‌آلات صنعتی... درحالی‌که بازار اروپا جایگزینی را تأمین نمی‌کند. از سوی دیگر، صادرات چین به آمریکا شامل فلزات نادر است، فلزاتی که ترامپ تلاش دارد آن‌ها را تحریم کند؛ امری که رقابت را برای شرکت‌های اروپایی دشوار می‌سازد».

تشدید تنش میان الجزایر و کشورهای ساحل: علل، ابعاد و پیامدها

استاد یاسین بن یحییٰ

ادامه: سفر دوره‌ای سیسی به کشورهای خلیج: تقسیم نقش‌ها میان ابزارهای استعمار...

ای اهل کثانه (مصر): منتظر حرکت سبسی و حاکما
خلیج یا سایر حاکمان مسلمان برای یاری اسلام
نباشید؛ چرا که آنان ابزار استعمارند، خدمتگزاران
او در سرزمینهای ما و سربازان او در جنگ
علیه دین ما، نجات از زیر پای ایشان نمی‌آید؛ اگر
بلکه از دستان امت و ارتش‌های آن می‌آید؛ هر
وفاداری‌شان را به الله سبحانه و تعالی و روش
صلی‌المعلیه و آله و اطاعت و در پی رهبری
مخلص‌الکونند که باید، آگاهی و مصیرت
مروه خافت را در بشش گذرد.

آیا تلاشی برای کودتای برنامهریزی‌شده در قرقیزستان وجود دارد؟

استاد ممتاز ما ورا النهری

او گفت: اگر دادگاه به‌صورت علنی به این پرونده رسیدگی کند، همه چیز روشن خواهد شد. در این صورت، ممکن است روابط ما با اتحادیه اروپا و انترناسیونال سوسیالیست آسیب ببیند؛ و ما نمی‌خواهیم این اتفاق بیفتد. (kaktus.media). ۲۰۲۵/۲/۲۷

در ۲۴ فوریه گذشته، یازده نفر به اتهام تلاش برای کودتا در کشور بازداشت شدند. طبق اطلاعات موجود، یکی از بازداشت‌شدگان نماینده سابق مجلس بود. در ۲۰ دسامبر ۲۰۲۴، اطلاعاتی دریافت شد مبنی بر این‌که برخی از اعضای جنبش مردمی «وودت، چهل قبیله و هفت منطقه» جلاست منظمی برای سازماندهی ناآرامی‌های جمعی برگزار می‌کنند. هدف آن‌ها بی‌ثبات کردن اوضاع کشور بود. (اسپوتنیک، ۲۰۲۵/۲/۲۴)

بر اساس آنچه گذشت، می‌توان گفت که بازداشت‌شدگان در دهم آوریل جاری، بخشی از نیروهای معارض هستند که در برابر فشارهای فزاینده حکومت فعالیت می‌کنند. آن‌ها تلاش داشتند که نیروهای خود را در مناطقی نزدیک به مرکز که در گذشته در انقلاب‌های نقش کلیدی داشتند، گرد آورند و بر حمایت مالی اروپا تکیه داشتند؛ چراکه کام‌هایی‌که قرقیزستان به سوی برپایی یک نظام دیکتاتوری برداشته، برای اروپا غیرقابل‌قبول است. همچنین، استفاده برخی از نیروهای چریک‌بار برای اعمال فشار بر نظام امری نیست که برای روسیه زیان‌بار باشد. اگرچه تأسیس یک نظام دیکتاتوری با منافع روسیه منافاتی ندارد، آنچه برای روسیه اهمیت دارد این است که نظام قرقیزستان سیاست‌هایی همسو با خواسته‌های کرملین در پیش گیرد.

بنابراین می‌توان گفت که قدرت‌های استعماری بین‌المللی هیچ اهمیتی به ریخته شدن خون‌ها و بی‌ثباتی‌های ناشی از زمانه که در مسیر تحقق منافع خود باشند؛ چراکه آنچه برایشان اهمیت دارد، گسترش نفوذشان در هر منطقه و هموار ساختن راه برای بهره‌برداری از منابع محلی از طریق مزدورانشان است. برای تحقق این هدف، از افکار محدود و تنگ‌نظران‌های همچون قوم‌گرایان و منتقدگرایی که در ذهن مردم ریشه دوانده‌اند، بهره می‌برند. در مقابل، سیاستمداران عوام‌گرا و محلی، به‌سبب عشق افراطی به کرسی قدرت، تنها در پی جلب رضایت اربابان کافر خود هستند؛ بااین‌حال، حتی در این صورت نیز اربابان‌شان همیشه از آن‌ها رضایت ندارند و بر حسب اقتضای منافع خود، آن را جایگزین می‌کنند. ازاین‌رو، بر مسلمانان واجب است که به هر دادگاهی از منظر عقیده اسلامی بنگرند تا مبادا به ابزاری در دست قدرت‌های جانیگار بین‌المللی تبدیل شوند.

جihad فريضای شرعی است و نیازی به اجازه مزدوران ندارد!

درحالی‌که رژیم یهود با حمایت آمریکا و غرب و همدستی حاکمان کشورهای اسلامی در کرانه باختری و نوار غزه مرکب نسل‌کشی می‌شود و درحالی‌که صدای مردمی برای حرکت ارتش‌های مسلمانان در یابری‌ستانی به برادران افروزی فرشته، دارالافتای مصر روز دوشنبه ۷ آوریل ۲۰۲۵ میلادی بیانیه‌ای صادر کرد که در آن، دعوت به جهاد و جنگ علیه رژیم یهود را «دعوت‌هایی غیرمسئولانه» دانست و اعلام کرد که «اعلام جهاد تنها باید زیر پرچم دولت مشروع و رهبری سیاسی انجام شود» و کسانی را که به جهاد فرامی‌خوانند، به «مخالفت با قواعد شریعت و تهدید امنیت جوامع» متهم کرد...

این که دارالافتا، اعلام جهاد را منوط به صدور تصمیم از سوی «رهبری سیاسی» کرده، پرده از تحریف عمدی مفهوم مشروعیت برمی‌دارد؛ چراکه مشروعیت در اسلام بر اساس حاکمیت شریعت الهه سبحانه‌تعالی سنجیده می‌شود، نه بر اساس مشروعیت مندوق‌های یابگری غربی و قوانین ساخت بشر؛ اما رژیم‌های حاکم در مصر و دیگر کشورهای اسلامی امروز، رژیم‌های سکولار و مزدورانه که با اسلام دشمنی می‌ورزند، اهل آن را تحت‌فشار قرار می‌دهند و با دشمنان میمان بی‌تابی، بنابراین، هرگونه مشروعیتی برای حکمرانی بر امت ندارند و تعلیق فريضه جهاد بر اجازه آنان، دراست و باطل است. این توجیه ناهم‌راست‌ها می‌گوید: «اگر والی در میان مردم، کتاب الله سبحانه‌تعالی را اقامه نکند، بر مسلمانان واجب است که علیه او قیام کنند».

بیزیردیند این فتوا در راستای تحریف مفاهیم، بی‌حس کردن امت و توجیه خیانت حکام تحت پوشش شریعت صادرشده است؛ امری که هم جنایت دینی و هم اخلاقی است.

استان الخلیل، محفل دسیسه‌بازان حکومت برای فرب مردم خیل

روز سه‌شنبه ۲۰۲۵/۰۴/۱۵ از استان الخلیل، گروهی از وزرا و افراد بانفوذ حکومت، با حضور استاندار الخلیل، گرد هم آمدند. دراین‌باره، دفتر مطبوعات حزب التحریر در سرزمین مبارک فلسطین در بیانیه‌ای مطروحات اعلام کرد: این نشست طراحی‌شده بود تا اموال عمومی در شهرداری‌ها و شوراهای محلی را زیر دندان‌های حکومت و نهادهایی قرار دهند.

بیانیه افزود: شگفت‌آور آن است که استاندار الخلیل در رادیو الرابعه قاهره شد و درباره وام‌ها سخن گفت و اظهار کرد: «کسی نگوید که وام گرفتن حلال یا حرام است؛ حکومت بهره‌های وام را می‌پردازد و در صورت نتوانی نهادهای محلی از پرداخت اقساط، محال آن را بر عهده می‌گیرد». گویی با این سخنان می‌خواهد بگوید: اگر از حرام یا می‌ترسید، ما حکومتی هستیم که خودمان آن را می‌خوریم و شما را از آن آسوده می‌دهیم؛ و چه کسی از فراموشی اوامر الله سبحانه‌تعالی بیم دارد. ما حکومتی هستیم که از تجاوز به حدودالله سبحانه‌تعالی هیچ واهمه‌ای نداریم

بنابراین، عجیب نیست که این استاندار گمراه که آشکارا در معصیت الله سبحانه‌تعالی مرزهای الهی را زیر پا گذاشته، حزب التحریر را نیز به نهت‌های دروغین متهم کند و بگوید: «حزب التحریر مردم را به نیرذاختن بهای آب و برق در مساجد دعوت می‌کند». ما این استاندار دروغ‌پرداز را به چالش می‌کشیم که یک سفر، یک بیانیه یا یک کلمه از حزب التحریر بیابورد که مردم را به آنچه زانوش به دروغ به ما نسبت داده، دعوت کرده باشد.

بیانیه ادامه می‌دهد: آیا حق التحریر و مردم استان الخلیل نبودند که دهه‌هاست در برابر خصومی‌سازی اعمال عمومی (تغییر برق الخلیل) مقاومت کرده‌اند؟ پس چه کسی واقفا بر اموال عمومی حریص است؟ و چه کسی اموال عمومی را تباه کرد و همچنان به فروش دارایی‌های مردم از آب و بری به نفع شرکت‌های خصوصی و به کام حریمان حکومت که هیچ‌گاه سیر نمی‌شوند، ادامه می‌دهد؟

آیا همین شرکت انداخته‌نده که از آن سخن می‌گوید چیزی جز دالان حکومت نیست که به‌دنبال تصاحب اموال عمومی سهندند؟ پس ای استاندار، کدام گروه راستگرایان کدام یک بیشتر بر اموال عمومی حریص است؟ حزب التحریر یا حکومتی که تختها در اموال عمومی، بلکه در خاک فلسطین و مردم و خون‌هایشان خیانت کرده است؟

رژیم یهود: واقعیت‌ها و پیامدها

دکتر عبد الاله محمد – ولایت اردن

«پیام‌ها همان‌ها هستند که تکرار می‌شوند؛ به نام خلبانان، یا کهدهسربازان نیروی دریایی، یا دیگران؛ همه آن‌ها به نام سربازان ما نوشته‌شده‌اند، بلکه توسط مشت‌ی فرومایه اداره می‌شوند که از سوی انجمن‌هایی تأمین مالی می‌شوند که هدفشان سرنگونی دولت راست‌گرا است.».

به این عبارات، بنیامین نتانیاهو، نخست‌وزیر رژیم یهود، به اموارهای اعتراض علیه ادامه جنگ وحشیانه‌اش علیه غزه که خواستار توقف آن و بازگرداندن اسرا بودند، پاسخ داد. منتظرمان، نتانیاهو را متهم کردند که جنگ را به دلائل شخصی‌سیاسی و نه به دلائل امنیتی ادامه می‌دهد.

پس از آنچه قهرمانان غزه در هفتم اکتبر ۲۰۲۳ انجام دادند، رژیم یهود به شکلی جنون‌آمیز جنگی برای نسل‌کشی علیه غزه و ساکنانش به راه انداخت و جنایت جنگی را آشکارا در برابر چشم و گوش جهانیان مرکب شد؛ با یعامتبه به قوانین بین‌المللی که علیه غزه پیوسته به آن‌ها فخر می‌فرشد. این جنایت با حمایت مستقیم آمریکا، حامی اصلی تروریسم و با همدستی آشکار حاکمان خائن در کشورهای اسلامی، صورت گرفت هم‌زمان اهدافی را اعلام کرد که می‌خواست به آن‌ها دست یابد: نابودی مرسان، بازگرداندن اسرا و جلوگیری از هرگونه تهدید از سوی غزه در آینده؛ به امید بازگرداندن چیزی از هویتی که توسط گروهی اندک از مجاهدان غزه از دست‌داده بود.

اما پس از گذشت بیش از هجده ماه از کشتار، ویرانی و جنایت که در طی آن برای هر ناظر آشکار شد که این رژیم فقدر نتوان و سست است و سربازانش اهل جنگند را نیستند، جنون و کینه نتانیاهو شدت گرفت؛ به‌ویژه با توجه به پرونده‌های قضایی و ماحکاماتی که در انتظار اوست، سقوط قریب‌الوقوع دولت‌ش و پایان حیات سیاسی‌اش و همچنین تظاهرات روزانه یهودیان علیه ادامه جنگ، ازاین‌رو، او به گسترش دایره تجاوزات خود به لبنان و سوریه متوسل شد، شاید بتواند کمی از فشار منتظران و افکار عمومی جهانی علیه جنگش در غزه بکاهد. آمریکا نیز بارها به او فرصت داد تا چیزی از اهداف اعلامی خود محقق کند.

الله سبحانه‌تعالی می‌فرماید: «أَن‌ الذِّینَ کَفَرُوا یَتَفَقَّحُونَ اَوْثَانَهُمْ لِیُضِلُّوا عَنْ سَبِيلِ اَللّهِ فَسَیَفْشِقُفُوهُنَّ لَمَّا تَخُونْ عَلَیْهِمْ خَیْرَةً لِّمَنْ یَقْلِبُونَ وَ الذِّینَ کَفَرُوا اِلَیَّ هَیْجَمَ یُخْشِرُونَ»، «افکاران اموال خود را خرج می‌کنند تا از راه الله سبحانه‌تعالی بازدارند. آنان اموالشان را خرج خواهند کرد، اما بعد مایهی سرت و دنامت ایشان خواهد گشت و شکست هم خواهند خورد. بیکران افکارن همگی به‌سوی دوزخ رانده می‌گردند؛ در آن گردآورده می‌شوند».

این است حقیقت که و اهل آن، یابرداری برادران و خواهران ما در غزه، با وجود همه ویرانی‌ها و کشتارهای ناشی از این جنگ جانیکارانه و علی‌رغم حمایت مستقیم آمریکا و کشورهای غربی و خیانت حاکمان دست‌نشانده مسلمانان، مداخلات را بر هم زد و آمریکا و مزدورانش را نسبت به خطر فزاینده از دست دادن کنترل منطقه به وحشت انداخت. ازاین‌رو، دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا، نتانیاهو را به‌طور اضطراری فراخواند. نتانیاهو در این دیدار به شکلی کاملاً متفاوت با دیدار نخست قاهر شد؛ جایی که ترکیب او را با مجموعه‌ای از مطالبات دربارہ ایران و ترکیه (که هر دو در مدار سیاست‌های آمریکا حرکت می‌کنند) وادار به عقب‌نشینی کرد و او را ملزم به شش‌تن پای میز مناکمه و دفاع از خود ساخت و طبق برخی گزارش‌های رسانه‌ای، برای پایان دادن به جنگ، مهلتی دو تا سه هفته‌ای به او داد.

قوم‌گرایی با مفهوم برادری اسلامی در تضاد است و آن را از میان می‌برد

قوم‌گرایی، مفهوم برادری را تضعیف می‌کند؛ چراکه رژیم‌های قوم‌گرا در کشورهای اسلامی از آن برای توجیه عدم دخالت نظامی در زمانی که مسلمانان تحت ستم قرار می‌گیرند، استفاده می‌کنند؛ مانند آنچه در فلسطین می‌بینیم که مسلمانان ساکن آتیا را بیگانگانی در سرزمینی بیکانه و نه برادران دینی خود می‌پندارند، یا برای توجیه بازگرداندن مسلمانان ستم‌دیده‌ای که به دنبال پناهمگاهی امن به کشورهای اسلامی آمده‌اند، همانند رفتار بنگلادش، مالزی و اندونزی با مسلمانان ویتنامی و رفتار پاکستان با افغان‌ها. ازاین‌رو، ما به‌معنای مسلمان، باید قوم‌گرایی را قاطعانه رد کنیم و در برابر تمامی سیاست‌ها، نقشه‌ها، قوانین و نظام‌هایی که بر این مبنا بناشده‌اند، بایستیم؛ و همچنین نظام‌هایی را که از این تفکر حمایت کرده و آن را در جوامع ما پیاده می‌کنند، از ریشه برکنیم. افزون بر این، باید از مرزهای قوم‌گرایانه‌ای که استعمار تحمیل کرده و میان سرزمین‌های ما جدایی انداخته است، رهایی یابیم و برای وحدت امت اسلامی از طریق برپایی خلافت راشده دوم بر منجح نبوت تلاش کنیم. این خلافت، اهماکار عملی برای تحقق وحدت امت اسلامی بر اساس الله سبحانه‌تعالی قرض کرده است، خواهد بود؛ و تمامی مسلمانان را، فارغ از نژاد، قومیت، مذهب یا محل تولدشان، تحت حمایت قرار خواهد داد و آنان را به‌معنای شهروندانی برابر در برابر قانون خواهد شناخت و حقوق یکسانی را که شریعت اسلامی مقرر کرده، برای همه تضمین خواهد نمود؛ چنان‌که در گذشته چنین بود.

ای ارتش سرزمین کنانه، میان شما و جاودانگی در تاریخ، تنها لحظه‌ای فاصله است، پس آن را غنیمت شمارید

ای ارتش کنانه، رژیم یهود امروز در ضعیف‌ترین حالت خود قرار دارد؛ با وجود آنچه از غرور و نخوت به نمایش می‌گذارد، اما در درون، گرفتار ترس و نگرانی است. امت یابخوبی می‌اندازد که رژیم‌شان بیگانه در سر سرزمین است و دوشاد به دحاجم معدوم و پراگندگی مسلمانان وابسته است؛ اما خوب می‌اندازد که لحظه وحدت مسلمانان و یکپارچگی کلمه آنان، به منای پایان قطعی رژیم‌شان خواهد بود. پس آیا شما نمی‌خواهید آغازگر این تغییر باشید؟

راحت، نه در گذای و نه در مذاکره است؛ بلکه در کار جدی برای بازگرداندن امت به شوکه گذشته خود است؛ امتی برونمذبه که با عدالتی حکم می‌کند و جهان را با عدالت و رحمت تبار می‌نماید؛ و این امر جز با برپایی خلافت راشده دوم بر منجح نبوت که مفهوف مسلمانان را متحد می‌سازد و سلطه یهودشمنان را بازمی‌گرداند، محقق نخواهد شد. پس شما سرباز این خلافت باشید و برای نصرت دین خود شتاب ورزید، وگرنه تاریخ بر دست‌ی و کوتاهی ما رجم خواهد کرد.

این لحظه، لحظه‌ای سرنوشت‌ساز است؛ یا در برابر رژیم یهود می‌ایستد و عزت مصر را بازمی‌گردانید، یا در زنجیرهای و بندها می‌ماند و پیامدهای وخیمی را تجربه خواهد کرد. ما به یقین می‌دانیم که در درون شما خیر فراوانی نهفته است و شما جز به عزت راضی نمی‌شوید و جز پیروزی را نمی‌پذیرید؛ و روزی خواهد آمد که به یاد خواهید آورد در سر درواهی ایستاده بودید و تا آن هنگام که از نگریدید و تا آن‌گاه که از مسلمانان و یهودیان و تمکین گرامی داشت، در آن راه پایدار ماندید. تقوای الهی پیشه کنید نسبت به امت خود، تقوای الهی پیشه کنید نسبت به برادران‌تان در فلسطین، تقوای الهی پیشه کنید نسبت به دیتان.